

چکیده:

موزه از مصادیق توسعه فرهنگی است و وسیله‌ای برای آموزش و همگانی کردن فرهنگ محسوب می‌شود. موزه‌های منطقه‌ای، جایگاه مطالعه روند تطور و تکامل فرهنگ و زندگی مردم آن منطقه است و از آن‌ها که لایزال و لاشها و اسناد و دستاوردهای گذشته و حال مردم را در خود دارد؛ بهترین معرفه هر سرزمین است. در این مقاله، نقش موزه منطقه‌ای در معرفی زندگی، معاش و آداب و رسوم مردم اسفراین مورد بحث قرار گرفته است.



حسینعلی بیگی  
مرکز خراسان‌شناسی

## موزه‌های منطقه‌ای و اهمیت آنها در معرفی مناطق\*

نمونه: شهرستان اسفراین

در آغاز، دو نکته گفتنی است: نخست این که تحقیق و پژوهش مهمترین عامل توسعه به شمار می‌آید و پژوهش به قصد راه یافتن به حقیقت صورت می‌گیرد. آن هم راه‌یابی به حقیقت موضوعی که مبهم است. و این، یعنی با استفاده از معلومات به مجهولات پی بردن و با دریافت شناخته‌ها، ناشناخته‌ها را بجستن و به این ترتیب از قلمرو نادانی به اقلیم دانایی گام نهادن.

مورد دیگر اهمیت نقش مردم در امر توسعه است و این که مشارکت و همراهی و همکاری آنها از امور اصلی راه یافتن به این امر مهم محسوب می‌شود. انسان به عنوان عامل و غایت توسعه، شناخته شده است. او موجود انتزاعی یک بُعدی نیست که

\* تحریر خطابه‌ای که در همایش «اسفراین و توانمندیهای توسعه» در شهریور ۱۳۷۷ ایراد شده است.

منحصراً اقتصادی باشد بلکه شخصیتی واقعی است با نیازمندیها و خواسته‌های گوناگون و توسعه واقعی هم همه‌جانبه و فراگیر است. توسعه فرهنگی جزء جدایی ناپذیر و لاینفک توسعه عمومی است و بر اقتصاد اثر می‌گذارد. برنامه‌های فرهنگی در سه جریان شکل می‌پذیرد: در آموزش، گسترش و همگانی کردن فرهنگ.

فرهنگ از آن همگان است؛ آن که در بطن شهری بزرگ زندگی می‌کند و آن که روزگار را در یک روستای دور افتاده سپری می‌سازد، هر دو نیاز به شناخت بیشتر فرهنگ و آگاهی روزافزون دارند و هر دو بایستی از سرچشمه‌های گوناگون فرهنگی سیراب شوند. فرهنگ مثل «هوا» است؛ هم برای همه است و هم مورد نیاز و احتیاج همه. اگر هوا نباشد، نیستی در خانه مردم را خواهد کوبید. با کمبود و کاستی فرهنگ هم، حیات آدمی متزلزل خواهد شد. فرهنگ مانند سایر نیازهای مادی و معنوی، از حاجتها و خواسته‌های اساسی و مهم انسان محسوب می‌شود؛ جزء جدایی ناپذیر زندگی آدمی است؛ امری تجملی و ویژه گروه خاصی نیست. میراث مشترک همه آدمیان است و برآورنده شریف‌ترین نیاز آدمی است که حیثیت، شرافت و انسانیت باشد.

تنها نخبگان، فرهنگ آفرین نیستند، بلکه عامه مردم در شکل‌گیری فرهنگ سهیمند. جهانیان همه با هم بنای فرهنگ را نهاده‌اند. فرهنگ، مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر است که در طول زمان و توسط همه انسانها پدید آمده، شکل گرفته، تحوّل یافته و کامل شده و امروزه به عنوان یادگار پیشینیان در دست ما پسینیان قرار دارد و ما موظفیم آن را کامل‌تر و سهل‌الوصول‌تر در اختیار آیندگان قرار دهیم. فرهنگ به مردم باز می‌گردد و هر آدمی - هرچند دور افتاده - آداب و رسوم و اندیشه‌ها و رفتار و عاداتی دارد که جز نام فرهنگ، نامی دیگر بر آن نمی‌توان نهاد. پس اصطلاح «بی‌فرهنگ» اصطلاح بی‌معنایی است. زیرا همه در حدّ خود دارای فرهنگند و نیاز به گسترش آن دارند که از طریق آموزش و همگانی کردن آن، این امر میسر خواهد شد. و نظریه «دموکراتیزه یا همگانی کردن فرهنگ» هم به دنبال این اعتقاد پدید آمده است؛ که مردم فطرتاً قدرت درک حقایق و زیباییها را دارند و به این جهت ضروری است که امکان دست‌یابی به تربیت عالی و راه‌یابی به مؤسسات فرهنگی برای همگان میسر بشود.

یکی از مصادیق گسترش فرهنگ، «موزه‌ها هستند. موزه‌ها علاوه بر آن، وسیله‌ای برای آموزش و همگانی کردن فرهنگ به شمار می‌آیند و کانونی برای پرورش مردم از طریق مشارکت آنها در آفرینش و تداوم فرهنگ محسوب می‌شوند. موزه «یگانه‌نهادی است که به زبان چیزهای واقعی سخن می‌گوید.»<sup>۱</sup> و «تنها مکانی است که در آن اشیاء را به منظور بالا بردن سطح دانش عمومی، آموزش، شناخت و درک عبرت، گردآوری و نگهداری می‌کنند.»<sup>۲</sup> موزه از زبان «اشیاء» حرف می‌زند. اشیایی که هر کدام پشتوانه فرهنگی دارند. آنها گوشه‌هایی از تاریخ تمدن بشر را باز می‌گویند و نشانه عظمت آفرینش‌های انسان هستند. تنها انسان است که به یاری دست و عقل خود به ابزار آفرینی پرداخته است و دیگر جانداران از چنین موهبتی بی‌بهره‌اند. بی‌جهت نیست که در تعاریف، انسان را «حیوان ابزارساز» خوانده‌اند. تکامل تمدن با پیشرفت ابزار و دست‌ساختهای او شکل گرفته است. آنچه امروز عرضه می‌شود ادامه همان کوششها و سازندگیهای دوران اولیه زندگی است. «تراکتور» امروز، ادامه همان «خیش» دست‌ساخت آدمی است و به هر حال، موزه که در برگیرنده این اشیاء است هم گذشته آدمی را روشن می‌سازد و هم حقایق روزگار ما را با توجیه به گذشته پدیدار می‌کند و هم بر اساس آنچه موجود است، طرح تحول آینده‌ای تابان را پی می‌افکند. می‌توان گفت که «تاریخ موزه‌ها و نهاد موزه در طی اعصار پیوند نزدیکی با تاریخ جامعه و سیر تکاملی دانش دارد.»<sup>۳</sup>

از موزه تعاریف مختلفی به دست داده‌اند. عمدتاً موزه را مؤسسه‌ای می‌دانند که «به گردآوری، مطالعه و محفوظ داشتن اشیاء نمایانگر طبیعت و بشر می‌پردازد تا آنها را به خاطر آگاهی، آموزش و لذت پیش چشم همگان بگسترده.»<sup>۴</sup> تعریف دیگر، موزه را مجموعه‌ای از کلکسیونهایی می‌داند که «متشکل از آثاری است که ارزش هنری، تاریخی یا باستان‌شناسی دارد و به صورت دائمی در معرض تماشای عموم قرار

۱- موزه (۳) ترجمه کلود کرباسی، مجله موزه‌ها، شماره ۶۶، شهریور ۶۴، ص ۷.

۲- حسینعلی بیهقی، «ارزش اشیاء و اهمیت موزه‌ها»، مجله مشکوة، شماره ۱۱، ص ۱۱۸.

۳- موزه (۳)، مجله موزه‌ها، ۶۶، ص ۶.

۴- «موزه» از دایرةالمعارف بریتانیکا، ترجمه کلود کرباسی مجله موزه‌ها، شماره ۳ و ۴ سال ۱۳۶، ص ۷.

می‌گیرد.<sup>۱</sup> و سرانجام هدف موزه‌ها بر اساس تعریف شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) عبارت از «گردآوری، نگهداری، مطالعه و بررسی کردن و نیز به نمایش گذاشتن نعمات فرهنگی یا طبیعی، به منظور آموزش، پژوهش و ارزش دادن به این مجموعه‌ها و لذت بردن از آنهاست».<sup>۲</sup> آثار و نشانه‌های فرهنگ غنی بشر که در هزاران سال عمر او شکل گرفته و با زندگی او همراه بوده در این موزه‌ها قرار دارد. این آثار پرده از روی شیوه زندگی، آداب و رسوم، اخلاق و اندیشه، تکنیک و فنون انسان برمی‌دارد.

در تقسیم‌بندی موزه‌ها علاوه بر موزه‌های تاریخی و هنری و علمی، موزه‌های «منطقه‌ای» و موزه‌های «در هوای آزاد» را ذکر کرده‌اند. تاریخ‌گشایش موزه‌ها به معنی امروزی به نیمه دوم قرن هفدهم می‌رسد؛ که متعاقب آن در قرن هجدهم موزه‌های «بریتانیا» در انگلستان و موزه «لور» در فرانسه تأسیس شد؛ و موزه‌های عمومی یکی بعد از دیگری شکل گرفت. در نیمه اول قرن نوزدهم در اروپا و آمریکا به دنبال پیدایش طبقات متوسط، توسعه اندیشه‌های انقلابی و پیشرفت روزافزون دانشها علاوه بر موزه‌های بزرگ، موزه‌های شهرستانی به ابتکار بعضی انجمنها، یا به همت روشنفکران و علاقه‌مندان محلی به گسترش جامعه، شکل گرفت و به شناساندن محیط، مردم و جامعه پرداخت.

موزه‌ها یا عام هستند یعنی فرامرزی و جهانی‌اند و به نمایش آثاری از گوشه و کنار جهان می‌پردازند، یا ملی هستند یعنی در آنها آثار و نشانه‌های فرهنگی سراسر کشور در بخشهای باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، هنرهای سنتی، علوم و فنون به تماشا در می‌آیند و معرف هویت یک ملت محسوب می‌شوند. یا محلی و منطقه‌ای هستند که ابزار و نشانه‌های فرهنگی یا خرده‌فرهنگهای همان محل را نشان می‌دهند و تبلور رسوم و سنتها و نمایشگر میراث فرهنگی همان منطقه از زمانهای دور تا عصر حاضرند. یکی از اهداف دموکراسی فرهنگی هم «آن است که موجبات ارتقای خرده‌فرهنگهای خاصی

۱- موزه، مدیریت موزه‌های فرانسه، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، معارف فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۱، ص ۱۱.

۲- اوزهانری ربویر، «موزه‌های مردم‌شناسی»، ترجمه علی‌اصغر کریمی، مجله موزه‌ها، شماره ۱، ص ۱۱.

را فراهم آورده و آنها را از طریق وسایل ارتباط جمعی با خرده‌فرهنگهای دیگر که جنبه عمومی‌تر دارند پیوند دهد.<sup>۱</sup> تشکیل و تأسیس موزه‌های محلی، در مناطق مختلف یک کشور به سیاست «تمرکززدایی» کمک می‌کند و باید دانست یکی از بهترین راهها برای دموکراسی فرهنگی در پیش گرفتن سیاست عدم تمرکز است.<sup>۲</sup> این‌گونه موزه‌ها، خرده‌فرهنگ خاص منطقه را معرفی و مردم را به نگهداری فرهنگ ویژه خویش تشویق می‌کند.

موزه‌های محلی یا منطقه‌ای به شناساندن جنبه‌های مختلف فرهنگی یک شهر یا استان می‌پردازند و امروزه تعداد آنها از دیگر موزه‌ها زیادتر شده است. این موزه‌ها سعی می‌کنند طبیعت، تاریخ، هنر و باورهای یک جامعه را تجسم بخشند و نشان دهند و سنتها و عاداتها و خلاقیت‌های جامعه را بشناسانند و جامعه‌ای محدود را به دیگر جوامع معرفی کنند.

موزه‌های منطقه‌ای، جایگاه مطالعه روند تطوّر و تکامل فرهنگ و زندگی مردم همان محل است. آثار و نشانه‌های این فرهنگ که در حال حاضر در زندگی مردم حضور دارد و هنوز به نحوی مورد استفاده و نیاز مردم است با همه توضیحات و تفسیرها و اسناد، در دوایر مردم‌شناسی موزه‌ها گرد می‌آیند. «آن دسته از آثاری که در گذشته‌های دور مورد استفاده مردم بوده، ولی در جریان تاریخ، سازنده و مصرف‌کننده آنها از میان رفته و خود آثار در دل خاک مدفون شده و امروزه به دست ما می‌رسند، در دوایر باستان‌شناسی موزه جای می‌گیرند و همراه با اسناد مربوط، بخشی از روند مبهم تحوّل تاریخی فرهنگ را روشن می‌کنند. دایره هنرهای سنتی این موزه‌ها جایگاه آثاری است که هر سنتی را تا روزی که هنرمند سنتی وجود داشته باشد و دانش و هنر خود را در این زمینه و بدون تأثیرپذیری از تکنولوژی مدرن و مکاتبت هنری نوین زمان و تبعات آنها، به نسل بعد منتقل کند

۱- توسعه فرهنگی اگوستین ژیرار، ترجمه عبدالحمید زرین‌قلم و ...، مرکز پژوهش‌های بنیادی، تهران،

۱۳۷۲، ص ۷۷.

۲- همان کتاب، ص ۱۰۴.

به حیات خود ادامه خواهد داد.<sup>۱</sup> بنابراین موزه‌های منطقه‌ای می‌توانند مجموعه‌ای از ابزارها و دستاوردهای باستان‌شناسی و تاریخ، مردم‌شناسی، هنر و فن باشند و آنچه مربوط به فرهنگ منطقه است یک‌جا در خود بگنجانند.

هر شهری ویژگی‌هایی دارد و تنوع‌هایی که بهترین محل ارائه آنها همین موزه‌های محلی است، در هر جایی اقوام و طوایف گوناگون با آداب و رسوم گوناگون، زندگی می‌کنند. هر منطقه آب و هوای خاصی دارد با گیاهان و جانورانی خاص، معیشت مردم آن‌جا از راه‌های مختلف تأمین می‌شود، ممکن است معیشت آنها مبتنی بر کشاورزی، دامداری، صنعتگری یا گونه‌های مختلف داد و ستد باشد. جایگاه تجلی این امور «موزه» است.



به اسفراین برگردیم. این شهر سابقه‌ای دیرینه دارد که به پیش از اسلام می‌رسد و گذشته دور و نزدیک آن باید مورد پژوهش قرار گیرد. همیشه موزه دربرگیرنده و نگهدارنده بخش مهمی از ارزشهای فرهنگی روزگار کهن است که اگر جز این می‌بود در اثر پیشرفتهای فنی، اقتصادی و دگرگونیهای حاکم بر پهنه‌های زیباشناسانه زمان، ارزشها و دستاوردهای پیشینیان، به فراموشی سپرده می‌شد و جایی برای ماندگاری نمی‌یافت. بنا بر این می‌توان گفت موزه ارزشهای فرهنگی را پاس می‌دارد.

در اسفراین اقوام و طوایف مختلفی زندگی می‌کنند، می‌خوانیم که: «مردم اسفراین از چهار تیره و قوم عمده شامل تاتها (فارسیها)، ترکها، کردها و بربرها تشکیل شده‌اند».<sup>۲</sup> علاوه بر قوم‌شناسان، جامعه‌شناسان و احیاناً برنامه‌ریزان، بسیاری نیز دوست دارند زندگی این طوایف را از نزدیک ببینند و بشناسند، ولی راه یافتن به درون زندگی آنها و پژوهش در بنیانهای فرهنگی آنان ساده نیست و برای همگان

۱- علی اصغر کریمی، «طرح تشکیل راه‌اندازی موزه سیاره مجله موزه‌ها، ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۷۲، ص ۳۶.

۲- سیداحمد فدایی، جغرافیای شهرستان اسفراین، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳، صص ۱۱۹-۱۲۰.



هم نمی‌توانند میسر باشد. بنابراین رد پای این زندگیها و به عبارتی دیگر خرده‌فرهنگها را باید در موزه‌های منطقه‌ای جست. در اسفراین سه گونه مردم را ملاحظه می‌کنیم: شهرنشین، روستائین، کوچ‌نشین (عشایر). بایستی موزه منطقه‌ای به بررسی تفاوت‌های زندگی آنان پرداخته؛ پوشاک، خوراک، مسکن، ابزار و وسایل زندگی و دیگر مسائل زیستی آنها را مورد مذاقه و تجسم قرار دهد.

این شهرستان دارای دو نوع آب و هواست در قسمت شمالی، معتدل کوهستانی و در قسمت جنوب و جنوب غرب - به خاطر نزدیکی به کویر - از نوع بیابانی و نیمه‌بیابانی است و این موضوع باعث می‌شود که دگرگونی‌هایی در زندگی مردم شمال و جنوب آن بیابیم و هم با پوشش گیاهی، گیاهان و جانوران متنوع رویه‌رو شویم.

کشاورزی، دامداری و صنایع دستی، منابع درآمد و روزگذار زندگی مردم است. محصولات عمده کشاورزی متنوع است از قبیل گندم، جو، صیفی‌جات، چغندر قند، پنبه، زیره، انگور، گیلاس، گردو و ... دامداری در این شهرستان به پرورش گوسفند، گاو و شتر می‌پردازد. مرغداری، پرورش زنبور عسل، و کرم ابریشم و بعضی صنایع جدید، منابع درآمد دیگر مردم است و بسیاری موارد دیگر. صنایع دستی اسفراین هم شامل ریسندگی، پارچه‌بافی، قالی و قالیچه‌بافی، گلیم‌بافی و نمدمالی است. همه اینها به انضمام آداب و رسوم و اندیشه‌ها و افکاری که ورای این مظاهر مادی فرهنگ می‌بینیم باید مطالعه و پژوهش شود. اشیاء، ابزار و آلات زندگی، اسناد، مدارک، نقشه‌ها، دستنوشته‌ها، بیاضها، کتیبه‌ها، سنگ قبرها و دیگر نمودگارهای مکتوب عامه ضرورتاً گردآوری گردد. برای هر کدام شناسنامه‌ای تهیه شود و در جایگاه خود در موزه قرار گیرد.

زینده است محققان به گردآوری فرهنگ عامه پردازند و مردم در اهدای ابزار و اشیاء به موزه اقدام کنند و یا در اختیار گرفتن مکانی تاریخی و احیاء و بازسازی آن یا پی‌افکندن بنایی درخور، موزه منطقه‌ای برپا سازند و بدانند که موزه مکانی است برای تحقیق، آموزش، آگاهی و آشنایی با گذشته و حال؛ لذت بردن، گذران اوقات فراغت و

